

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۳/۸

(صص)

واکاوی ساختار پرسش‌واژه در گویش بوشهری بر مبنای رویکرد کمینه‌گرا

نرگس ملایی^۱، بهمن گرجیان^۲، سیده فاطمه هاشمی^۳

چکیده

ساخت جملات پرسشی در زبان‌های مختلف، از جمله گویش بوشهری، تابع حرکت یا عدم حرکت پرسش‌واژه و جایگاه فاعلی یا غیرفاعلی آن است. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و در چارچوب نظری برنامه کمینه‌گرا به بررسی حرکت پرسش‌واژه در گویش بوشهری می‌پردازد. داده‌ها از طریق ضبط و پیاده‌سازی ۱۷۰ دقیقه مکالمه از ۳۲ نفر از گویشوران بوشهری در گروه‌های سنی مختلف (۳۵ تا ۶۰ سال) گردآوری شد. در مجموع، ۱۱۵ جمله مورد تحلیل قرار گرفت که شامل ۴۰ جمله پرسشی ساده، ۳۰ جمله مرکب، ۲۰ جمله مشتق و ۲۵ جمله دارای پرسش‌واژه‌های دوگانه بودند. این جملات از نظر نوع حرکت (نحوی یا غیرنحوی)، انگیزه و جهت حرکت، اختیاری یا اجباری بودن حرکت و محل فرود پرسش‌واژه تحلیل شدند. دسته‌بندی و تحلیل داده‌ها توسط دو زبان‌شناس مسلط به گویش بوشهری انجام گرفت. یافته‌ها نشان می‌دهد که در گویش بوشهری، محدودیت‌هایی چون شرط هم‌جواری و تسلط سازه‌ای مانع حرکت پرسش‌واژه نمی‌شود. همچنین، پرسش‌واژه‌ها در جایگاه‌های مختلف جمله می‌توانند ظاهر شوند و این تنوع اغلب با کارکردهای گفتمانی همچون تأکید، برجسته‌سازی و مبتداسازی قابل تبیین است. نتایج

^۱ دانشجوی دکتری گروه زبان‌شناسی، واحد بین‌المللی اروند، دانشگاه آزاد اسلامی، آبادان، ایران

narges@yahoo.com

^۲ دانشیار گروه آموزش زبان‌شناسی، واحد بین‌المللی اروند، دانشگاه آزاد اسلامی، آبادان، ایران (نویسنده مسئول)

Baman.gorjian@iau.ac.ir

^۳ گروه زبان‌شناسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

f.hashemi2000@gmail.com

حاکی از آن است که حرکت پرسش‌واژه در این گویش عمدتاً بر پایه انگیزه‌های کاربردی و معناشناختی است و با قواعد نحوی زبان‌هایی مانند انگلیسی تفاوت دارد.

واژه‌های کلیدی: برنامه کمینه‌گرا، حرکت پرسش‌واژه، گویش بوشهری

۱. مقدمه

رویکرد کمینه‌گرا^۱، یکی از تحولات بنیادین در چارچوب دستور زایشی محسوب می‌شود که نخستین بار توسط چامسکی^۲ (۲۰۱۴: ۱۲۹) در مقاله‌ای با عنوان «نکاتی در باب اقتصاد، اشتقاق و نمودهای زبانی» مطرح گردید و سپس در قالب کتابی با عنوان *برنامه کمینه‌گرا* بسط و بازنشر یافت (دبیرمقدم، ۱۳۹۳: ۶۰۲). در این رویکرد، چامسکی بر حذف مراحل زائد در فرایند اشتقاق نحوی و کنارگذاشتن نمودهای زبانی حشو و غیرضروری تأکید دارد. اصل اختصار و ایجاز به مثابه دو مؤلفه بنیادین این نظریه، نقش تعیین‌کننده‌ای در ساخت و ارزیابی تحلیل‌های نحوی ایفا می‌کنند؛ به گونه‌ای که هر چه ساختار نظری موجزتر و ساده‌تر باشد، مطلوب‌تر تلقی می‌شود (همان: ۶۰۳). برنامه کمینه‌گرا به طور اساسی بر نظریه اصول و پارامترها مبتنی است و هدف اصلی آن تبیین اصول بنیادین این نظریه، به ویژه اصل اقتصاد در نحو است. از این رو، می‌توان کمینه‌گرایی را در عمل، گونه‌ای توسعه‌یافته از نظریه اصول و پارامترها دانست (جکنداف^۳ و کولیکاور^۴، ۲۰۰۵: ۱۱۲).

گشتار حرکت^۵ و به ویژه حرکت پرسش‌واژه^۶، تنها سازوکار نحوی‌ای است که از زمان بنیان‌گذاری نظریه دستور زایشی تاکنون، در اغلب نسخه‌های بازنگری‌شده این نظریه، از جمله در چارچوب برنامه کمینه‌گرا، حفظ شده است. در برنامه کمینه‌گرا، دو نوع عمده حرکت نحوی مفروض است: حرکت کل سازه^۷ و حرکت مشخصه‌های سازه‌ای^۸.

^۱ minimalist approach

^۲ N. Chomsky

^۳ R. Jackendoff

^۴ P. Culicover

^۵ movement

^۶ Wh-movement

^۷ Pied piping

^۸ Feature movement

حرکت سازه شامل گونه‌هایی همچون حرکت هسته^۱، حرکت موضوع^۲ و حرکت پرسش‌واژه است (دبیرمقدم، ۱۳۹۳: ۶۱۲). فرایند حرکت پرسش‌واژه – که با عنوان «حرکت عملگر»^۳ نیز شناخته می‌شود – عبارت است از انتقال یک سازه از موقعیت اصلی‌اش در جایگاه موضوع به جایگاه مشخص‌گر گروه متمم‌نما^۴ که در نتیجه آن، اثری نحوی از سازه منتقل شده بر جای می‌ماند. در این چارچوب، انگیزه حرکت پرسش‌واژه از منظر کمینه‌گرایی، صرفاً به منظور بازبینی مشخصه [Q] توسط هسته متمم‌نما تبیین می‌شود. به عبارت دیگر، این حرکت تنها در صورتی رخ می‌دهد که مشخصه موردنظر نتواند در جایگاه نخستین خود بازبینی شود و در نتیجه، حرکت به عنوان آخرین راه‌حل به کار گرفته می‌شود (رشیدی، ۱۳۹۸: ۴).

براساس مفروضات نظریه کمینه‌گرایی در خصوص حرکت پرسش‌واژه، زبان‌ها نسبت به ویژگی دوارزشی [$\pm$ حرکت پرسش‌واژه] مقید هستند؛ به عبارت دیگر، این ویژگی نحوی تعیین می‌کند که آیا حرکت پرسش‌واژه در زبان معین صورت می‌پذیرد یا خیر. از آنجاکه انتخاب یکی از این دو مشخصه به صورت گزینشی و دلخواه نیست، نمی‌توان انتظار داشت که حرکت پرسش‌واژه در یک زبان خاص اختیاری باشد. بدین ترتیب، زبان‌ها یا همانند انگلیسی تحت تأثیر حرکت پرسش‌واژه قرار می‌گیرند، یا همچون چینی و ژاپنی، پرسش‌واژه‌ها را در جایگاه اصلی حفظ می‌کنند (آهنگر، ۱۳۸۵: ۱۱۰). با این حال، داده‌های پیشین به دست آمده از زبان فارسی نشان می‌دهد که رفتار پرسش‌واژه‌ها در این زبان دوگانه است؛ به نحوی که عبارات پرسشی در فارسی هم در جایگاه اصلی باقی می‌مانند (پرسش‌واژه در جای اصلی) و هم می‌توانند حرکت کنند (حرکت پرسش‌واژه). در راستای این مشاهدات و مطالعات حاجیانی و محمودی (۱۴۰۲)، پژوهش حاضر بر آن است تا رفتار پرسش‌واژه‌ها را در گویش بوشهری بررسی کرده و مشخص سازد که این گویش در چارچوب کمینه‌گرایی تابع کدام الگوی نحوی است.

¹ head movement

² argument movement

³ operator movement

⁴ specifier complementizer phrase (Spec-CP)

۲. پیشینه پژوهش

در ارتباط با پدیده حرکت پرسش‌واژه، تحقیقات متعددی توسط پژوهشگران داخلی و خارجی صورت گرفته است که در اینجا به‌اختصار به برجسته‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود. چامسکی (۲۰۱۵: ۱۳۴) در چارچوب برنامه کمینه‌گرا تصریح می‌کند که حرکت پرسش‌واژه، همانند سایر انواع حرکت نحوی، اثری از خود به‌جا می‌گذارد. این «رد» نمایانگر جایگاه زیرساختی^۱ عبارت پرسشی است و با پرسش‌واژه جابه‌جاشده که در جایگاه مشخص‌گر گروه متمم‌نما فرود می‌آید، هم‌نمایه محسوب می‌شود. چامسکی (همان) همچنین بیان می‌کند که پرسش‌واژه‌هایی نظیر چه کسی و چه چیزی، سورهای^۲ هستند که در تعامل با سازوکار حرکت، نقش عملگری ایفا می‌کنند.

ریتزی^۳ (۱۹۹۶: ۲۸۳)، نیز به تجزیه و تحلیل جملات پرسشی زبان ایتالیایی پرداخته است. وی معتقد است هر حرکتی از بند پرسشی هنگامی که ضمیر موصولی از گروهی اسمی خارج شده است باید متوقف گردد؛ چراکه گروه اسمی نیز یک گره تحدید محسوب می‌شود و این زبان از محدودیت گروه اسمی مرکب نیز پیروی می‌کند. هوانگ^۴ (۱۹۸۲: ۳۹۷) نیز ساختار جملات پرسشی و اسنادی در زبان چینی را مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه رسیده است که این زبان فاقد حرکت پرسش‌واژه در سطح نحوی است. رودین^۵ (۱۹۸۸: ۴۴۸) با تمرکز بر زبان‌هایی که تمامی عبارات پرسشی در آن‌ها در روساخت^۶ به ابتدای بند حرکت می‌کنند چنین بیان می‌دارد که در زبانی مانند انگلیسی فقط یک پرسش‌واژه در جایگاه مشخص‌گر گروه متمم‌نما قرار می‌گیرد؛ در زبانی همچون چینی تمام پرسش‌واژه‌ها در روساخت در جای اصلی خود قرار دارند؛ در زبان فرانسوی حرکت پرسش‌واژه اختیاری است و در زبان‌های اسلاوی تمامی عبارات پرسشی در روساخت به جایگاه آغازین بند حرکت می‌کنند.

واتانابه^۷ (۱۹۹۲: ۸۷) نیز در پژوهش خود به این نکته اشاره داشته است که پرسش‌واژه در جای اصلی در زبان

¹ underlying

² quantifier

³ L. Rizzi

⁴ C.T.J. Huang

⁵ C. Rudin

⁶ surface structure

⁷ A. Watanabe

ژاپنی متأثر از حرکت روساختی یک عنصر نامرئی است. رینهارت^۱ (۱۹۸۸: ۳۳) شرط برتری را یکی از مسائلی می‌داند که پرسش‌واژه در جای اصلی برای برنامه کمینه‌گرا دارد. به عقیده وی، شرط برتری تعیین می‌کند که کدام حرکت پرسشی دستخوش حرکت آشکار شود و کدام در جای اصلی باقی بماند. به عقیده گد^۲ (۲۰۱۱: ۱۲)، پرسش‌واژه در جای اصلی خوانش می‌شود و دامنه خود را به دست می‌آورد بدون آنکه در بخش نحو حرکت آشکار داشته و یا در سطح منطقی^۳ حرکتی داشته باشد.

1) Mona istarat eeh?

Mona buy (3SF.PAST) what

'What did Mona buy?'

2a) Mona bitis'al Sami istara eeh.

Mona ask (3SF.PROG) Sami buy (3SM.PAST) what

'Mona is asking what Sami bought.'

2b) Mona bitis'al eeh illi Sami

Mona ask (3SF.PROG) what that Sami istara-ah.

'Mona is asking what Sami bought.' buy (3SM.PAST)-it

در جمله ۱، پرسش‌واژه eeh در نتیجه خوانش مستقیم، دارای دامنه گسترده و در جمله ۲ دارای دامنه درونه‌ای است. در ۲a این پرسش‌واژه در جای اصلی در درون بند درونه IP به عنوان مفعول مستقیم فعل «اشترا/istara» باقی می‌ماند. در حالی که ۲b، از جایگاه اصلی خود خارج شده و به ابتدای بند درونه IP حرکت می‌کند و illi ضمیر تکراری

¹ T. Reinhart

² R.F. Gad

³ Logical Form

در جمله وارد می‌شود.

از میان پژوهشگران داخلی، غنچه‌پور و رقیب‌دوست (۱۳۹۹: ۱۲۲)، در مقاله خود، زبان فارسی را زبانی با ساختار پرسش‌واژه در جای اصلی معرفی نموده و معتقد هستند که پیش‌آمدگی چند پرسش‌واژه در این زبان، حرکت نحوی اجباری نیست، بلکه حاصل فرایند مبتداسازی است. وی حرکت پرسش‌واژه را فرایندی اختیاری تلقی می‌کند؛ اما با توجه به وجود پرسش‌های چندگانه در این زبان، مثل دیگر زبان‌های پرسش‌واژه در جای اصلی عمل نمی‌کند، بلکه در آن تمامی عبارات پرسشی به ابتدای بند در روساخت حرکت می‌کند. مشکوه‌الدینی (۱۳۷۴: ۱۳۸) نیز در پژوهش خود با عنوان «جابه‌جایی سازه پرسشی در جملات زبان فارسی و برخی نتایج نظری آن»، اظهار می‌دارد که جابه‌جایی سازه پرسشی یک اصل است و اختیاری یا اجباری بودن آن یک عامل متغیر است و تفاوت‌های ساختی میان زبان‌ها را می‌توان براساس فرض اصول و عوامل متغیر توضیح داد. میرعمادی (۱۳۷۹: ۹۷) در کتاب خود، اذعان می‌دارد که برخلاف زبان انگلیسی که حرکت پرسش‌واژه صورت بی‌نشان در جملات پرسشی است، در زبان فارسی حرکت پرسش‌واژه صورت نشان‌دار است و پرسش‌واژه در جای اصلی (در جایگاه کانون) به‌عنوان صورت بی‌نشان در نظر گرفته می‌شود. بنابراین زبان فارسی یکی از زبان‌هایی است که نسبت به زبان‌های دیگر در جملات پرسشی از انعطاف‌پذیری بیشتری برخوردار است. اما این را نباید نادیده گرفت که حرکت پرسش‌واژه به‌سمت ابتدای جمله است. وی همچنین معتقد است که در صورت جابه‌جانشدن کلمه پرسشی، جمله پرسشی حاصل، پژواکی است و حتی اگر حرکت پرسش‌واژه به‌سمت ابتدای جمله و همراه با نشانه باشد، بازهم جمله حاصل پژواکی است. اما با حرکت پرسش‌واژه، این عبارت پرسشی از جایگاه خود به جایگاه دیگری حرکت می‌کند و جایگاه اول آن تهی می‌شود.

در همین‌راستا، هورنشتاین^۱ (۲۰۰۱: ۵۳) نیز در چارچوب تحلیل‌های اشتقاقی، حرکت پرسش‌واژه را به‌مثابه فرایندی ضروری برای بازبینی مشخصه‌ها در نحو تفسیر می‌کند و آن را یکی از نمودهای اصل اقتصاد اشتقاقی می‌داند. لسنیک^۲ (۲۰۰۸: ۱۹۰) در بازخوانی حرکت نحوی، حرکت پرسش‌واژه را گواهی بر حفظ ساختارهای کلاسیک در

^۱ N. Hornstein

^۲ H. Lasnik

نسخه‌های جدید نظریه زایشی می‌داند و بر نقش تقابل مشخصه‌ها در فعال‌سازی فرایند حرکت تأکید دارد.

راسخ‌مهند (۱۳۷۹: ۳۴۵) معتقد است که حالت پرسش‌واژه در جای اصلی خود در فارسی پرسش پژواکی ایجاد نمی‌کند، زیرا حرکت پرسش‌واژه حالت بی‌نشان نیست. بنابراین، در چارچوب برنامه کمینه‌گرا، ویژگی پرسشی در هسته بند متممی سبب حرکت اختیاری پرسش‌واژه در زبان فارسی و حرکت اجباری پرسش‌واژه در زبان انگلیسی می‌گردد. دلیل حرکت اختیاری پرسش‌واژه در زبان فارسی عدم نیاز به بازبینی حالت مشخصه پرسشی در هسته بند متمم است. چراکه حرکت پرسش‌واژه در چارچوب برنامه کمینه‌گرا برای بازبینی حالت انجام می‌گیرد. کهنمویی‌پور (۲۰۰۱: ۴۱)، بیان می‌دارد که فارسی نه زبانی با پرسش‌واژه در جای اصلی و نه زبانی دارای حرکت پرسش‌واژه است، بلکه باید آن را به‌عنوان زبانی با حرکت پرسش‌واژه به جایگاه کانون پیش فعلی (متمم گروه زمان) در نظر گرفت.

در حوزه پژوهش‌های داخلی نیز، آهنگر (۱۳۸۵: ۱۱۵) با بررسی تطبیقی زبان‌های مختلف، نشان می‌دهد که حرکت پرسش‌واژه در زبان‌ها وابسته به مشخصه دوارزشی [$\pm$ حرکت] است و در نتیجه، نمی‌توان انتظار داشت که حرکت در زبان‌ها به‌صورت اختیاری عمل کند.

کریمی و طالقانی (۲۰۰۷: ۱۸۰) با بررسی ساخت‌های پرسشی، پرسش‌واژه‌ها را به دو نوع تقسیم کرده‌اند: نخست، پرسش‌واژه‌های موضوعی از جمله «چه» و «کی»؛ و دیگری پرسش‌واژه‌هایی افزوده مانند «کجا»، «کی»، «چرا» و «چطوری». از نظر آن‌ها، عملکرد نحوی دو نوع پرسش‌واژه موضوعی و افزوده‌ای در ساخت‌های پرسشی، با یکدیگر متفاوت است. پرسش‌واژه موضوعی می‌تواند در جای اصلی خود بماند یا به‌صورت اختیاری حرکت کند. آن‌ها پس از بررسی ساخت‌های پرسشی در زبان فارسی نتیجه گرفته‌اند دو نوع پرسش‌واژه نامبرده، به‌لحاظ رفتار نحوی، تفاوت‌هایی دارند و حرکت آن‌ها بر صورت معنایی برون‌داد اثر می‌گذارد. پهلوان‌نژاد و شاه‌علی (۱۳۹۲: ۱۳۵۰) نیز با تحلیل داده‌های زبان فارسی، دریافتند که حرکت‌های اول تمامی عبارات پرسشی به جایگاه کانون، در زبانی با فرایند کانونی‌سازی به‌منظور بازبینی نمودن مشخصه قوی کانون اجباری است اما حرکت‌های بعدی این عبارات اختیاری است.

واعظی (۱۳۹۲: ۲۰۰) با بررسی پرسش‌های زبان فارسی بیان می‌دارد که پرسش‌واژه در جای اصلی، حساس به محدودیت‌های نحوی است و تمامی اصول نحوی را رعایت می‌نماید و در سطح منطقی نیز از رفتاری همانند حرکت آشکار پرسش‌واژه (حرکت نحوی) برخوردار است، او چنین حرکتی را «حرکت آشکار عملگر پرسشی» تلقی نموده است. وی معتقد است که اشتقاق جملات با پرسش‌واژه حرکت کرده از طریق ادغام و حرکت سازه‌ها با انگیزه مطابقت مشخصه کانونی در هسته صورت گرفته است. وی گروه کانونی را یکی از جایگاه‌های مجاز فرود پرسش‌واژه دانسته است. رشیدی (۱۳۹۸: ۱۳) نیز در پژوهشی مبتنی بر چارچوب کمینه‌گرا، نشان می‌دهد که در زبان فارسی، حرکت پرسش‌واژه به‌عنوان آخرین راه‌حل برای بازبینی مشخصه [Q] توسط هسته C به کار گرفته می‌شود و در مواردی که این بازبینی در جایگاه اصلی ممکن نباشد، جابه‌جایی الزامی است.

۳. چارچوب نظری پژوهش

در دهه ۱۹۸۰، مفهومی با عنوان اصل اقتصاد از سوی چامسکی در نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی مطرح شد که نقطه اتکا و مبنایی جهت توسعه برنامه کمینه‌گرا گردید. مطرح‌شدن برنامه کمینه‌گرا در سال ۱۹۹۲ با ارائه مقاله‌ای با همین عنوان، از سوی چامسکی، باعث ایجاد تحولاتی در تنه اصلی دستور زایشی گردید. این تحولات بر ساده‌تر و کوتاه‌تر شدن ساخت‌ها و تحلیل‌های دستوری تأکید داشته و بر اساس آن نموده‌ها و ساخت‌های اشتقاقی بایستی تا حد ممکن اقتصادی باشند. زیربنای اولیه اصول برنامه کمینه‌گرا از اصل خوانش کامل (چامسکی، ۱۹۸۶ الف) نشئت یافته است. براساس این اصل، هر عنصری در یک ساختار باید دارای نقش بوده و خوانش گردد و هیچ عنصر غیرضروری در نموده‌های زبانی که حشو و زائد است، نباید در ساختار وجود داشته باشد. همان‌گونه که از نام این برنامه مشخص است، مؤلفه حاکم بر آن، مختصر و موجز بودن نظریات است. راسخ‌مهند (۱۳۹۳) اعتقاد دارد در نحو، برنامه کمینه‌گرا گامی جهت ساده‌سازی ساخت‌های دستوری و هدف آن صرفه‌جویی در مراحل اشتقاق است.

برنامه کمینه‌گرا ادامه و تکوین تنه اصلی دستور زایشی و به‌ویژه نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی یا نظریه اصول و پارامترها در دهه ۱۹۸۰ بوده است. به اعتقاد دبیرمقدم (۱۳۹۳: ۱۳) یکی از تفاوت‌های نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی

و برنامه کمینه‌گرا غیاب نظریه ایکس- تیره^۱ در برنامه کمینه‌گرا برای ساخت عبارت‌های زبانی است. در چارچوب برنامه کمینه‌گرا، فرایندهای ادغام و حرکت هستند که وظیفه تشکیل ساختارهای زبانی را بر عهده دارند (چامسکی، ۲۰۱۵: ۳۶). بنابراین، در برنامه کمینه‌گرا، نحو از دو سازوکار «حرکت»^۲ و «ادغام»^۳ برخوردار است که عملکرد آنها به هنگام اشتقاق، از نظر دستوری بودن مورد قضاوت قرار می‌گیرد. در این برنامه، اصولی از نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی که قابل تقلیل به اصول کلی‌ترند، مورد بازبینی قرار گرفته و جای خود را به اصول موجزتری داده‌اند که شرط اقتصادی بودن را برآورده می‌سازند. در برنامه کمینه‌گرا، سطوح ژرف‌ساخت و روساخت حذف و سطح‌های زبانی محدود به دو سطح صورت منطقی^۴ و صورت آوایی^۵ شدند که اولی درونداد مکانیسم شناختی-معنایی و دیگری درونداد مکانیسم فراگویی-ادراکی است (زاهدی، ۱۳۸۵: ۱۳). به‌طورکلی، در برنامه کمینه‌گرا سطح ژرف‌ساخت و روساخت حذف شده و آن بخش از زبان که نحو نام دارد، نظام محاسباتی^۶ محسوب می‌شود که مشتمل بر فرایندهای ادغام و حرکت/جذب است. در ادامه به‌اختصار به فرایند ادغام پرداخته و سپس فرایند حرکت که موضوع اصلی این پژوهش است را از نظر می‌گذرانیم.

۳. ۱. ادغام^۷

نخستین فرایند نحوی که در نظام محاسباتی رخ می‌دهد، ترکیب یا ادغام عناصر واژگانی با یکدیگر است (گلفام، ۱۳۹۰). طی این فرایند، بر اساس اطلاعات موجود در مدخل‌های واژگانی، هسته (X°) با متمم خود (Y'') ادغام شده و گره فرافکنی میانی (X') حاصل می‌شود. پس از ادغام مشخص‌گر با این گره، گره فرافکنی بیشینه^۸ (X'') تشکیل می‌گردد. این گره فرافکنی بیشینه متمم هسته (Z°) دیگر واقع شده و با ادغام آنها گره فرافکنی میانی (Z') آن هسته شکل می‌گیرد. اثر ادغام این گره با گره مشخص‌گر خود، گره فرافکنی بیشینه (Z'') آن شکل می‌گیرد. این گره فرافکن

¹ X-bar theory

² movement

³ merge

⁴ Logical Form

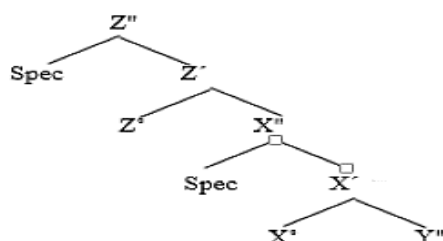
⁵ Phonetic Form

⁶ Computational system

⁷ merging

⁸ maximal projection

می‌تواند به‌عنوان متمم هسته دیگری قرار گرفته و فرایند ادغام بارها تکرار شود. در این برنامه، برخلاف نظریات پیشین دستور زایشی، اشتقاق نمودارهای درختی از پایین به بالاست و فرایند ادغام تکرارپذیر است (دبیرمقدم، ۱۳۹۳: ۳۵). نمودار زیر این فرایند را به تصویر کشیده است:



شکل ۱. نمودار درختی فرایند ادغام (دبیرمقدم، ۱۳۹۳)

به عقیده چامسکی (۲۰۱۵: ۵۷) فرایند ادغام بر حرکت اولویت دارد و از فرایند حرکت صرفاً در مواردی استفاده می‌شود که اعمال آن برای همگراشدن اشتقاق، اجتناب‌ناپذیر باشد. در ادامه به فرایند حرکت که مقوله اصلی پژوهش حاضر است می‌پردازیم.

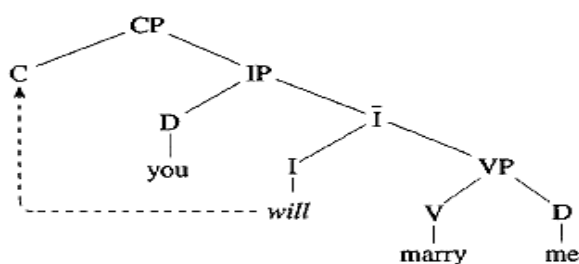
۲.۳. حرکت

فرایند حرکت/جذب بخش دیگری از نظام محاسباتی است. فرایندهای حرکت ازجمله حرکت مفعول صریح در ساخت‌های مجهول، حرکت پرسش‌واژه، ارتقاء و حرکت فعل کمکی، در نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی، تحت یک قاعده کلی با نام حرکت آلفا تحلیل می‌شوند. حرکت گروه‌های اسمی در جهت دریافت حالت و جلوگیری از نقض صافی حالت رخ می‌دهد. فرایندهای حرکتی موجود در نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی در برنامه کمینه‌گرا نیز مفروض‌اند. دو نوع حرکت مفروض در این برنامه عبارت‌اند از: حرکت سازه و حرکت مشخصه‌های سازه. حرکت سازه خود مشمول سه نوع است که عبارت‌اند از: حرکت هسته به هسته، حرکت پرسش‌واژه که حرکتی غیرموضوعی است و حرکت موضوع.

حرکت مشخصه‌های یک سازه به حرکت و جذب مشخصه‌های یک سازه اشاره دارد که طی آن مشخصه‌های مشترک در مجاورت هم قرار گرفته و بدین ترتیب امکان بازیابی آن‌ها فراهم می‌گردد. در پی حرکت، مطابقه حاصل

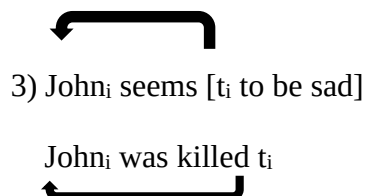
می‌شود، زیرا سازه‌های بازیینی شونده برای ارضاء مشخصه‌های خود به دامنه بازیینی‌کننده حرکت می‌کنند. نظریه بازیینی در کمینه‌گرا که جایگزین نظریه حالت بخشی در نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی شده است وظیفه بازیینی مشخصه‌های موجود در متمم و مشخص‌گر هسته نسبت به مشخصه‌های هسته را بر عهده دارد، این مشخصه‌ها پس از انطباق محو می‌شوند (چامسکی، ۲۰۱۵؛ دبیرمقدم، ۱۳۹۳: ۷۹).

در حرکت هسته به هسته، هسته‌ای به جایگاه هسته دیگر منتقل می‌شود (به‌عنوان مثال، حرکت از جایگاه هسته I در IP به جایگاه هسته C در CP در نمودار زیر) این حرکت به نظام محاسباتی تعلق داشته و در نحو، پیش از مرحله بازنمایی صورت می‌گیرد. پیش‌آمدگی فعل کمکی در زبان انگلیسی جهت سؤالی کردن جمله، نمونه‌ای از این حرکت است (رادفورد^۱، ۲۰۰۴: ۱۰۵).



شکل ۲. نمودار درختی حرکت

حرکت موضوع، حرکت دیگری در کمینه‌گرایی است که در آن گروه اسمی از جایگاه موضوع به جایگاه موضوع دیگر انتقال می‌یابد. ارتقاء فاعل که شامل حرکت فاعل بند پیرو به جایگاه فاعل بند پایه است و همچنین مجهول‌سازی که در آن گروه اسمی از جایگاه مفعول جمله به جایگاه فاعل حرکت می‌کند، نمونه‌هایی از این نوع حرکت‌اند. این حرکت در کمینه‌گرایی برای بازیینی حالت صورت می‌گیرد:



¹ A. Radford

در نهایت حرکت پرسش‌واژه در کمینه‌گرایی که مبنای تحلیل داده‌های این پژوهش است را از نظر می‌گذرانیم.

در فرایند حرکت پرسش‌واژه که «حرکت عملگر» نیز نامیده می‌شود (رادفورد، ۲۰۰۴: ۴۹)، سازه‌ای از جایگاه موضوع به نزدیک‌ترین جایگاه مشخص‌گر متمم‌ما حرکت می‌کند تا مشخصه Q هسته متمم‌ما بازبینی و حذف شود، در عین اینکه مشخص‌گر این هسته می‌بایست یک پرسش‌واژه باشد. لسنیک^۱ (۱۹۹۵: ۶۱۷) انگیزه حرکت پرسش‌واژه را حرکت برای برآورده کردن نیاز سازه دیگر که در اینجا هسته متمم‌ما با مشخصه Q است، و نه خود پرسش‌واژه، برمی‌شمرد.

در حرکت پرسش‌واژه، براساس برنامه کمینه‌گرا، «شرط پیوند کمینه» یا «اصل کوتاه‌ترین حرکت» می‌بایست رعایت شود و تخطی از آن منجر به ساختی نادرستی خواهد شد. این اصل تضمین‌کننده نزدیک‌ترین حرکت است و براساس آن بین سازه حرکت داده شده و رد آن باید کوتاه‌ترین پیوند و فاصله ممکن وجود داشته باشد. به عنوان مثال (رادفورد، ۲۰۰۴: ۳۹):

4) a. I wonder [who_i he might think t_i has done what]

b. *I wonder [who_i what_k he might think t_i has done t_k]

در جمله a حرکت who به جایگاه متمم‌ما کوتاه‌ترین حرکت بوده و بنابراین اصل کوتاه‌ترین حرکت رعایت شده و جمله دستوری و همگراست. اما در جمله b، از آنجاکه جایگاه مشخص‌گر گروه متمم‌ما از قبل توسط who پر شده است، what امکان حرکت و فرود آمدن در این جایگاه را ندارد، از سوی دیگر، فاصله what با ردی که از خود به جا می‌گذارد، کوتاه‌ترین فاصله نیست و بنابراین اصل کوتاه‌ترین حرکت نیز نقض شده و جمله نادرستی است.

در زبان انگلیسی، با دو نوع جمله پرسشی روبرو هستیم که یکی با افعال کمکی سؤالی می‌شوند و دسته دیگر که با پرسش‌واژه‌هایی همچون who, which, what و غیره سؤالی می‌شوند. جملات پرسش‌واژه‌ای نیز خود مشتمل بر

¹ H. Lasnik

دو نوع هستند. در دسته‌ای از آن‌ها، با استفاده از پرسش‌واژه‌های فاعلی که پرسش‌واژه موضوعی نیز نامیده می‌شود، جایگاه فاعل و یا نهاد جمله مورد سؤال قرار می‌گیرد. در این نوع سؤالات، نهاد جمله حذف و پرسش‌واژه در جای آن قرار می‌گیرد. این‌گونه سؤالات، پرسش‌واژه فاقد حرکت درون جمله است.

5) a. Mary wrote a letter to her friend.

b. Who wrote a letter to her friend?

دسته دیگر نیز جملات پرسشی دارای پرسش‌واژه، جملاتی هستند که بخشی به‌جز فاعل جمله در آن‌ها مورد سؤال قرار می‌گیرد در این جملات پرسشی که غیر فاعلی یا افزوده نامیده می‌شوند. در این‌گونه سؤالات پرسش‌واژه به‌صورت اجباری از جایگاه اصلی خود به جایگاه مشخص‌گر متمم‌نما حرکت می‌کند. مثال زیر نمونه‌ای از این جملات است (رادفورد، ۲۰۰۴: ۴۱)

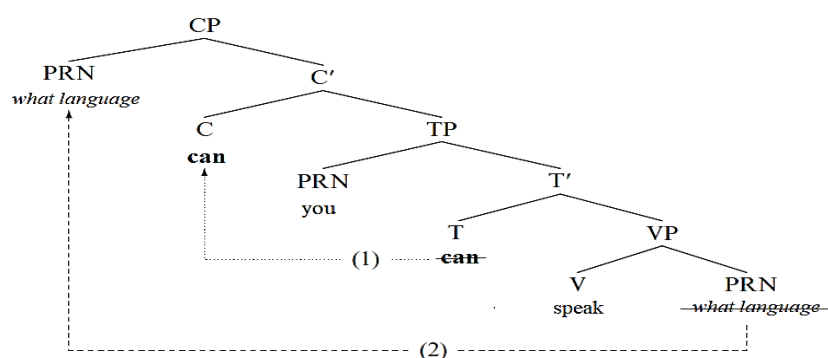


6) a. You can speak what languages?

b. What language can you speak?

کمینه‌گرایی، حرکت پرسش‌واژه را یک عملکرد مشخصه محور می‌داند که برای بازبینی مشخصه‌های تکواری اتفاق می‌افتد. آنچه حرکت پرسش‌واژه را برمی‌انگیزد، نیاز به بازبینی یک مشخصه خاص در دامنه بازبینی یک هسته است. در انگلیسی عبارات پرسشی دارای مشخصه [wh] قوی هستند که نیازمند بازبینی در یک دامنه بازبینی مناسب‌اند. هسته C که دارای مشخصه [wh] است، یک مشخصه [wh] بر روی عبارت پرسشی را جذب نموده و حرکت کل سازه عبارت پرسشی به جایگاه spec آن صورت می‌گیرد. بنابراین عبارت پرسشی به جایگاه Spec CP حرکت می‌کند تا ضرورت بازبینی مشخصه را برآورده سازد. برنامه کمینه‌گرا بین مشخصه‌های خوانش‌پذیر و خوانش‌ناپذیر تمایز قائل می‌شود. مشخصه‌های خوانش‌ناپذیر بایستی قبل از رسیدن اشتقاق به سطح منطقی، از طریق بازبینی مشخصه حذف شوند. اگر این مشخصه‌ها تا پایان اشتقاق باقی بمانند ساختار در هم ریخته و جمله حاصل نادرستی می‌شود. در مثال فوق، جمله b برگرفته از جمله a است که پرسش‌واژه در آن نقش متمم فعل را بر عهده دارد و در جایگاه اصلی خود قرار دارد. جمله پرسشی a که پرسش پژواکی نام دارد، نشان‌دهنده نقش عبارت پرسشی به‌عنوان متمم

فعل است. همان‌طور که در نمودار زیر مشاهده می‌شود، در این جملات با دو حرکت مواجه هستیم. در حرکت نخست، فعل کمکی (Aux) از جایگاه هسته زمان (T) به جایگاه هسته متمم‌نما (C) حرکت می‌کند و جایگاه قبل از فاعل را اشغال می‌کند و حرکت هسته به هسته صورت می‌گیرد. در حرکت دوم که حرکت پرسش‌واژه است، پرسش‌واژه، از جایگاه متمم گروه فعلی (VP) به جایگاه مشخص‌گر گروه متمم‌نما (CP) حرکت می‌کند. بنابراین، جایگاه نهایی پرسش‌واژه، جایگاه مشخص‌گر متمم‌نما و انگیزه این حرکت، وجود مشخصه [+پرسش‌واژه] در هسته گروه متمم‌نماست که با جذب نزدیک‌ترین پرسش‌واژه، باید این مشخصه بازبینی و حذف گردد. این حرکت در نمودار زیر ترسیم شده است (رادفورد، ۲۰۰۴: ۸۶):



شکل ۳. نمودار درختی پرسش‌واژه

در نمودار فوق، حرکت هسته به هسته فعل کمکی و همچنین حرکت پرسش‌واژه، به تصویر کشیده شده است. تفاوتی که در این حرکت وجود دارد این است که حرکت اول، نشان‌دهنده فرافکنی کمینه^۱ است و حرکت پرسش‌واژه، فرافکنی بیشینه را نشان می‌دهد. با توجه به این موضوع، پرسش‌واژه می‌تواند در جایگاه اصلی خود باقی بماند و یا دستخوش حرکت شود.

^۱ minimal projection

۴. روش پژوهش

پژوهش حاضر، از نوع توصیفی-تحلیلی و در چارچوب نظری برنامه کمینه‌گرا است. داده‌های زبانی از طریق ضبط و پیاده‌سازی ۱۷۰ دقیقه مکالمه طبیعی میان گویشوران بوشهری در شهرستان بوشهر گردآوری شده‌اند. مشارکت‌کنندگان شامل ۳۲ گویشور زن و مرد در بازه سنی ۳۵ تا ۶۰ سال بودند که به‌صورت هدفمند و با توجه به تسلط کامل بر گویش بوشهری انتخاب شدند. معیار سنی برای انتخاب نمونه‌ها، همگنی نسبی در نوع گفتار و جلوگیری از تنوع زبانی بیش‌ازاندازه در گویش بود.

فرایند پیاده‌سازی مکالمات توسط دو زبان‌شناس مسلط به گویش بوشهری انجام گرفت و میزان توافق میان‌داوری در این فرایند حدود ۸۲٪ برآورد شد. پس از استخراج جملات پرسشی از داده‌ها، درمجموع ۱۱۵ جمله پرسشی به‌عنوان نمونه‌های تحلیلی انتخاب شد. این جملات شامل ۴۰ جمله پرسشی ساده، ۳۰ جمله پرسشی مرکب، ۲۰ جمله مشتق و ۲۵ جمله دارای پرسش‌واژه‌های دوگانه بودند. تنوع ساختاری این جملات امکان تحلیل دقیق‌تری از الگوهای نحوی در این گویش را فراهم ساخت.

تحلیل جملات بر اساس چارچوب نظری برنامه کمینه‌گرا و با تمرکز بر حرکت پرسش‌واژه صورت گرفت. در این تحلیل، هر جمله از نظر وجود یا عدم وجود حرکت نحوی پرسش‌واژه، اختیاری یا اجباری بودن حرکت، جهت حرکت و محل فرود و نیز انگیزه‌های معنایی یا گفتمانی حرکت و در مقایسه با داده‌هایی از زبان انگلیسی و عربی مصری بررسی شد. همچنین محل و نوع جایگاه پرسش‌واژه‌ها در ساختار جمله (اعم از جایگاه فاعلی یا غیرفاعلی، کانونی یا حاشیه‌ای) نیز در تحلیل لحاظ گردید. تمام تحلیل‌ها به‌صورت هم‌زمان با نظر دو زبان‌شناس انجام و تطبیق داده شد تا از اعتبار تحلیل‌ها اطمینان حاصل شود.

۵. تحلیل داده‌ها

برای بررسی ساختار نحوی پرسش‌واژه‌ها در گویش بوشهری، مجموعه‌ای از جملات واقعی گردآوری و تحلیل شدند. هدف از این تحلیل، شناسایی نوع حرکت (آشکار^۱ یا پنهان^۲) و تعیین سطح بررسی ویژگی [wh] در این گویش است. با تکیه بر چارچوب نظری برنامه کمینه‌گرا، داده‌ها به گونه‌ای بررسی می‌شوند که امکان مقایسه با زبان‌های دیگر نیز فراهم گردد.

۵.۱. بررسی نحوی یا غیرنحوی بودن حرکت پرسش‌واژه پنهان در سطح منطقی

در این بخش، تلاش بر آن است که نحوی یا غیرنحوی بودن حرکت پرسش‌واژه پنهان در سطح منطقی و چگونگی توجیه آن مورد بررسی قرار گیرد. برای این منظور، حرکت پرسش‌واژه در گویش بوشهری با زبان‌های انگلیسی و عربی مصری مقایسه شده است تا شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود میان آن‌ها روشن گردد.

۵.۱.۱. پرسش‌واژه در گویش بوشهری، زبان انگلیسی و عربی مصری

در زبان انگلیسی، پرسش‌واژه‌ها به عنوان متمم فعل، ابتدا در جایگاه اصلی (موسوم به جایگاه کانونی) قرار می‌گیرند:

(7) A: I just met Maryam

B: You met who?

در جمله B، پرسش‌واژه *who* به عنوان مفعول فعل *met* در جایگاه پایانی جمله آمده است. اما در زبان انگلیسی،

این پرسش‌واژه می‌تواند حرکت کرده و به جایگاه مشخص‌گر گروه متمم‌نما ارتقا یابد:

B': Who did you meet *t*?

در این حرکت، ردی از پرسش‌واژه در جایگاه اولیه باقی می‌ماند.

¹ overt movement

² covert movement

در زبان عربی، برخلاف انگلیسی، پرسش‌واژه‌ها معمولاً در جایگاه اصلی باقی مانده و بدون حرکت آشکار، خوانش پرسشی خود را به دست می‌آورند:

(8) *Mona istarat eeh?*

‘Mona bought what?’

در این ساخت، مشخصه [wh] به صورت پنهان به جایگاه [Spec CP] منتقل می‌شود، بی آنکه کل مقوله حرکت کند افزون بر این، بر اساس نظریه حرکت تهی^۱ و نیز نظریه فاعل درون گروه فعل^۲، عبارت فاعلی ابتدا در جایگاه مشخص گر گروه فعلی (VP) تولید می‌شود و سپس به صورت آشکار به جایگاه [Spec IP] ارتقا می‌یابد تا شرط فرافکنی گسترده^۳ را برآورده سازد:

(9) [*IP miin_i [I' [I [VP t_i [V' fataH il-baab]]]]]*?

‘Who opened the door?’

در جایگاه Spec-IP، به دلیل ضعف مشخصه [wh]، حرکت بیشتری رخ نمی‌دهد. در نتیجه، تنها خود مشخصه [wh] به صورت پنهان به [Spec CP] منتقل شده و بررسی می‌شود. این مکانیسم، ساختار پرسشی را فراهم می‌آورد. در مواردی که پس از پرسش‌واژه *miin* یک گروه اسمی بیاید، ساخت می‌تواند شبیه به ساخت مبتدایی به صورت اختیاری بازآرایی شود:

(10a) *miin SaaHib il-beet?*

‘Who is the owner of the house?’

(10b) *SaaHib il-beet miin?*

‘Who is the owner of the house?’

اما در ساخت‌هایی که پس از *miin* گروه اسمی شامل ضمیر هم‌نمایه با آن بیاید، این بازآرایی ممکن نیست:

(11a) *miin beet-ha beiid?*

‘Whose house is far?’

¹ vacuous movement hypothesis.

² VP-Internal Subject Hypothesis

³ extended projection peinciple (EPP)

(11b) *beet-ha biciid miin?

در گویش بوشهری، همچون فارسی معیار، ترتیب نحوی به صورت SOV است؛ به طوری که فاعل پیش از مفعول و مفعول پیش از فعل می آید. در این گویش، پرسش واژه ها می توانند در نقش فاعلی یا غیرفاعلی ظاهر شوند:

(12a) *?eli kodʒa zendei mikone/miko?*

‘Where does Ali live?’

(12b) *?u ?azom porsi ?eli sit tʃe xerid?*

‘He asked me what Ali bought for you?’

همان طور که در جمله (۱۲a) دیده می شود، پرسش واژه جایگزین متمم شده و مکان را مورد پرسش قرار داده

است. در (۱۲b)، پرسش واژه در نقش مفعول مستقیم ظاهر شده است. پرسش اصلی آن است که آیا حرکت

پرسش واژه در گویش بوشهری، مبتنی بر اصل حرکت آلفا و اصل کپی و حذف است یا نه؟

مطابق نظریه چامسکی (۲۰۱۵)، حرکت پرسش واژه مبتنی بر اصل فرافکنی گسترده است. همه جملات زمان دار

و بی زمان نیازمند فاعل هستند. از این رو، گروه زمان دار (TP) و همچنین گروه متمم نما (CP) باید دارای مشخصه

EPP باشند. افزون بر این، گروه CP دارای ویژگی [+wh] نیز هست که سبب جذب پرسش واژه به جایگاه

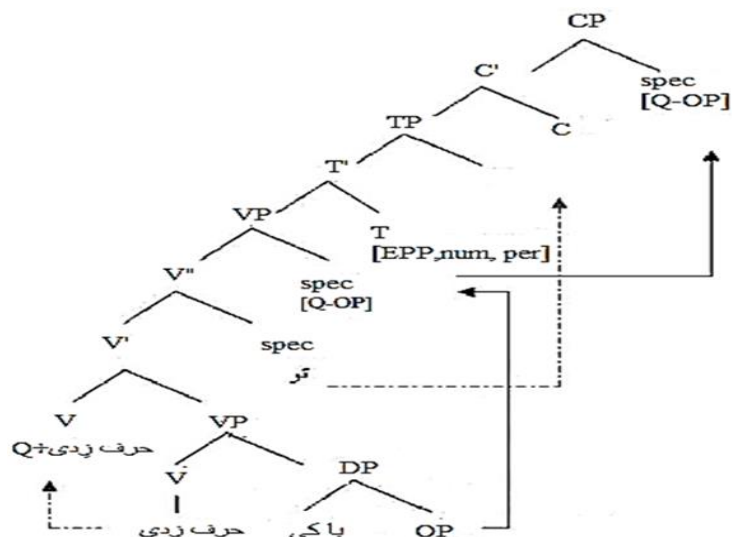
مشخص گر گروه متمم نما می شود:

(13) *She wants to know [where they are going]*

در این جمله، C دارای مشخصه [+q] است و بنابراین، پرسش واژه *where* را از جایگاه مفعولی در VP به

جایگاه جایگاه مشخص گر گروه متمم نما می برد. پس از بررسی ویژگی های [+q] و EPP، پرسش واژه در نمود

واجی حذف شده و تنها رد آن باقی می ماند. در نمودار درختی زیر، مسیر این حرکت ترسیم شده است (شکل ۴).



شکل ۴. نمود واجی سازه پرسش‌واژه

به‌طور مشابه، در گویش بوشهری نیز جمله پرسشی زیر را می‌توان بررسی کرد:

(14) To ba ki harf zedi?

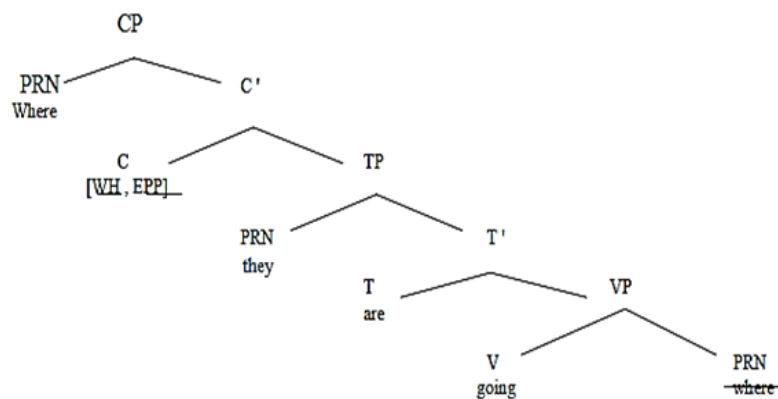
‘With whom did you talk?’

در این جمله، «با کی» ابتدا با فعل «حرف زدی» ادغام شده و VP را تشکیل می‌دهد. سپس این گروه با فاعل

(تو) ترکیب شده و با ارتقای فعل به T و انتقال فاعل به Spec-TP، اشتقاق تکمیل می‌شود. برای ایجاد ساختار

پرسشی، عملگر پرسشی به جایگاه مشخص‌گر گروه متمم‌نما حرکت می‌کند. این حرکت در نمودار درختی شماره ۵

نمایش داده شده است.



شکل ۵. اشتقاق جمله پرسشی عملگر

در جملات مرکب نیز همین فرایند با چند مرحله انجام می‌گیرد. در این موارد، پرسش‌واژه طی چند فاز

(phase) حرکت کرده و به تدریج به جایگاه جایگاه مشخص‌گر گروه متمم‌نما در بند اصلی می‌رسد:

(15) Be nezert zeri si buvaš tfe esad?

‘What do you think Zahra bought for her father?’

پیکره نحوی جمله ۱۵ به صورت زیر قابل تحلیل است:

- [به نظرت [زری [سی بواش [چه [اسد]]]]

در این ساخت، پرسش‌واژه «چه» به عنوان مکمل فعل «اسد» (داد) در جایگاه پایانی جمله ظاهر شده است. با

توجه به چارچوب نظری کپی و حذف، پرسش‌واژه ابتدا در جایگاه درون‌جمله‌ای خود یعنی جایگاه متمم قرار دارد

و سپس طی فرایند حرکت فازی به جایگاه مشخص‌گر متمم‌نما منتقل می‌شود تا ویژگی [+wh] بررسی گردد.

باین‌حال، در گویش بوشهری، این حرکت به صورت پنهان رخ می‌دهد و پرسش‌واژه در سطح آوایی در موقعیت

درون‌جمله‌ای باقی می‌ماند، اما در سطح منطقی به جایگاه مشخص‌گر گروه متمم‌نما منتقل می‌شود تا سازگاری

نحوی با سازوکار زبان حفظ گردد.

بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که در گویش بوشهری، علی‌رغم حضور پرسش‌واژه در جایگاه پایانی جمله،

فرایند نحوی حرکت پرسش‌واژه و بررسی ویژگی [wh] همچنان طبق اصول نظریات زایشی، به‌ویژه نظریه کپی و

حذف، صورت می‌گیرد.

۵. ۱. ۲. جملات پرسشی با دو پرسش‌واژه

در جملاتی که دو پرسش‌واژه وجود دارد، ترتیب نحوی و جایگاه این پرسش‌واژه‌ها در ساختار جمله نقش

تعیین‌کننده‌ای در گرامری بودن جمله ایفا می‌کند. به عنوان نمونه، در زبان انگلیسی، جمله (۱۵a) ساختی دستوری دارد

اما جمله (۱۵b) نادرستی است

(16a) What might he think who has finished the job?

*(16b) Who might he think what has finished the job?

نادرستی بودن جمله (۱۶b) را می‌توان با تکیه بر اصل کوتاه‌ترین حرکت^۱ و اصل هم‌جواری^۲ توجیه کرد. طبق این اصول، پرسش‌واژه‌ای مانند what نمی‌تواند از پرسش‌واژه who که در موقعیت پایین‌تری قرار دارد عبور کرده و به جایگاه مشخص‌گر گروه متمم‌نما منتقل شود، چراکه حرکت از روی یک پرسش‌واژه دیگر، نقض اصل فاصله کمینه^۳ نیز محسوب می‌شود.

همین وضعیت در گویش بوشهری نیز قابل مشاهده است. در این گویش، پرسش‌واژه‌ای که به بند اصلی تعلق دارد باید پیش از پرسش‌واژه‌ای قرار گیرد که به بند فرعی وابسته است:

(17a) To fik mikoni [ke ki in tʃia gerefte]?

‘Who do you think took these things?’

***(17b) To fik mikoni [ke in tʃia ki gerefte]?**

در جمله (۱۷a)، پرسش‌واژه «کی» به بند فرعی تعلق دارد و به درستی در موقعیت پایانی ظاهر شده است. اما در جمله (۱۷b) جابه‌جایی ترتیب این دو پرسش‌واژه باعث نادرستی بودن جمله شده است. علت نادرستی بودن این جمله آن است که ساختار نحوی امکان حرکت مناسب و بررسی مشخصه‌های [wh] را فراهم نمی‌کند و موجب نقض اصول واجد اعتبار در نظریه کمینه‌گرا می‌شود.

بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که در گویش بوشهری، مانند انگلیسی، رعایت ترتیب نحوی مناسب میان دو پرسش‌واژه در جملات پرسشی مرکب، برای گرامری بودن جمله ضروری است. پرسش‌واژه‌ای که به بند اصلی مربوط می‌شود باید زودتر ظاهر شود یا حرکت کند، و پرسش‌واژه وابسته به بند فرعی باید در جایگاه اصلی خود باقی بماند یا در مراحل بعدی به جایگاه مشخص‌گر گروه متمم‌نما برسد.

¹ shortest movement principle

² adjacency condition

³ Minimal distance principle

۵. ۱. ۳. حرکت پنهان پرسش‌واژه‌ها در گویش بوشهری

چامسکی (۲۰۱۴: ۵۴) در نظریه کمینه‌گرا معتقد است که حرکت پرسش‌واژه‌ها می‌تواند به دو صورت آشکار یا پنهان انجام گیرد. در حرکت آشکار، عنصر پرسشی به سطح آوایی منتقل می‌شود، اما در حرکت پنهان، این حرکت صرفاً در سطح منطقی رخ می‌دهد و در تلفظ جمله دیده نمی‌شود.

در گویش بوشهری، در بسیاری از موارد، پرسش‌واژه در جایگاه اصلی خود باقی می‌ماند و به ابتدای جمله منتقل نمی‌شود. این ویژگی نشان‌دهنده آن است که حرکت پرسش‌واژه در این گویش عمدتاً به صورت پنهان انجام می‌شود. به عبارت دیگر، در ظاهر جمله، عنصر پرسشی جابه‌جا نمی‌شود، اما تفسیر معنایی آن مستلزم بررسی ویژگی [wh] در سطح منطقی است.

(18) to ki didi?

‘Who did you see?’

در جمله (۱۸)، پرسش‌واژه «کی» پس از فاعل ظاهر شده است و در موقعیت اصلی مفعولی باقی مانده است. با توجه به این که پرسش‌واژه در این گویش به جایگاه مشخص‌گر گروه متمم‌ما حرکت نمی‌کند، می‌توان نتیجه گرفت که در این ساختار، ویژگی [wh] در سطح منطقی بررسی می‌شود و حرکت تنها در صورت منطقی رخ می‌دهد. این ویژگی گویش بوشهری را مشابه زبان‌هایی مانند چینی ماندارین و گاه عربی مصری می‌سازد که در آنها نیز پرسش‌واژه‌ها می‌توانند در جایگاه اصلی باقی بمانند. در مقابل، زبان انگلیسی نیازمند حرکت آشکار پرسش‌واژه به جایگاه مشخص‌گر گروه متمم‌ما است:

(19) Who did you see __?

همان‌طور که مشاهده می‌شود در این ساختار، «who» به ابتدای جمله منتقل شده است.

از منظر نظریه بررسی مشخصه‌ها^۱، در گویش بوشهری، بررسی ویژگی [wh] از طریق حرکت پنهان به هسته گروه متمم‌نما یا جایگاه مشخص‌گر گروه متمم‌نما صورت می‌گیرد. این در حالی است که در زبان انگلیسی، بررسی این مشخصه در سطح صورت آوایی اتفاق می‌افتد و به همین دلیل، پرسش‌واژه باید به‌طور آشکار حرکت کند. نکته قابل توجه در گویش بوشهری این است که باقی ماندن پرسش‌واژه در جایگاه اصلی، نه تنها از نظر گرامری قابل قبول است، بلکه شکل طبیعی و رایج طرح پرسش به‌شمار می‌آید. بنابراین، می‌توان گفت که این گویش به دسته زبان‌هایی تعلق دارد که از راهبرد پرسش‌واژه در جای اصلی استفاده می‌کنند و بررسی مشخصه پرسش‌واژگی در آن‌ها به‌صورت پنهان صورت می‌پذیرد.

۵. ۱. ۴. تحلیل داده‌های دیگر از گویش بوشهری

بررسی داده‌های بیشتر از گویش بوشهری نشان می‌دهد که در اکثر جملات پرسشی، پرسش‌واژه‌ها در جایگاه اصلی خود باقی می‌مانند، بدون آن‌که به ابتدای جمله منتقل شوند. در این بخش، نمونه‌هایی از انواع مختلف جمله‌های پرسشی ارائه می‌شود تا الگوی حرکت پنهان و تأیید حضور ویژگی [wh] در سطح صورت منطقی بیشتر تبیین شود.

(20) to ketâb-o kojâ nadi?

‘Where did you put the book?’

در جمله فوق، پرسش‌واژه «کجا» در جایگاه مفعول غیرمستقیم (مکانی) ظاهر شده و به ابتدای جمله منتقل نشده است. این ساختار تأیید می‌کند که در گویش بوشهری، پرسش‌واژه‌ها اغلب در همان موقعیتی که نقش معنایی دارند (مثل مفعول، مکمل یا قید مکان)، حفظ می‌شوند.

(21) to bâ ki rafti bazâr?

‘With whom did you go to the market?’

¹ feature checking theory

در این مثال نیز، پرسش‌واژه «با کی» در موقعیت بعد از فاعل و پیش از فعل آمده است، بدون آن‌که به ابتدای جمله حرکت کرده باشد. این امر نشان‌دهنده استفاده این گویش از ساختار پرسش‌واژه در جای اصلی برای تمام نقش‌های نحوی از جمله قید، مفعول و مکمل است.

(22) *che xerdi emru sob?*

‘What did you buy this morning?’

در جمله (۲۱)، پرسش‌واژه «چه» به صورت جایگاه اصلی در ابتدای جمله آمده، اما همچنان در جایگاه موضوع مفعولی حفظ شده است. این الگو تداوم همان ویژگی حرکت پنهان در گویش بوشهری را نشان می‌دهد. نکته قابل توجه در تمامی این مثال‌ها، عدم اجبار در حرکت پرسش‌واژه‌ها به جایگاه مشخص‌گر گروه متمم‌نما و عدم وابستگی معنایی به انتقال آشکار آن‌هاست. بنابراین، این داده‌ها، فرضیه حرکت پنهان در گویش بوشهری را تقویت می‌کنند.

۶. نتیجه‌گیری

تحلیل انجام‌شده در این مقاله، بر مبنای نظریه‌های نحوی زبان‌شناسی زایشی، به‌ویژه برنامه کمینه‌گرا (چامسکی، ۱۹۹۵؛ ۲۰۰۰)، نشان می‌دهد که گویش بوشهری عمدتاً از الگوی حرکت پنهان پرسش‌واژه‌ها پیروی می‌کند. برخلاف زبان‌هایی چون انگلیسی که در آن‌ها پرسش‌واژه‌ها الزاماً به ابتدای جمله منتقل می‌شوند، در گویش بوشهری پرسش‌واژه‌ها غالباً و نه همیشه، در جایگاه پایه‌ای خود باقی می‌مانند. در این گویش، بررسی مشخصه [+wh] تنها در سطح منطقی صورت می‌گیرد و ضرورتی برای تحقق حرکت آشکار در سطح آوایی وجود ندارد.

بررسی داده‌ها نشان می‌دهد که در جملاتی با دو پرسش‌واژه، قواعد حرکت آلفا در گویش بوشهری رعایت می‌شود. اما در جملاتی با یک پرسش‌واژه، حرکت الزامی نیست و جایگاه آن به صورت ثابتی تعیین نمی‌شود، بلکه می‌تواند بسته به عوامل کلامی و بافتی، جایگاه‌های مختلفی را اشغال کند. بنابراین، می‌توان گفت که در گویش

بوشهری امکان فرض حرکت آشکار پرسش‌واژه نیز وجود دارد، اما این حرکت همواره نحوی نیست و بیشتر تابع انگیزه‌های کاربردشناختی است.

یکی از نکات مهم در این گویش، وجود مشخصه $[+Q]$ در هسته گروه متمم‌نما است که می‌تواند منجر به جذب و اشغال جایگاه مشخص‌گر متمم‌نما توسط پرسش‌واژه شود. با این حال، حرکت به این جایگاه همواره الزامی نیست و اغلب در سطح منطقی بازبینی می‌شود. جایگاه‌های متنوع پرسش‌واژه‌ها را می‌توان با عواملی همچون کانونی‌سازی، مبتداسازی، تأکید و برجسته‌سازی توجیه کرد. به عنوان نمونه، در گویش بوشهری، تمام جملات زیر از نظر گویشوران بومی دستوری محسوب می‌شوند، علی‌رغم تفاوت در جایگاه پرسش‌واژه:

• «سی چه علی اونجا رفته بید؟»

• «علی سی چه اونجا رفته بید؟»

• «علی اونجا سی چه رفته بید؟»

این شواهد نشان می‌دهد که ساختار نحوی گویش بوشهری امکان انعطاف در جایگاه پرسش‌واژه را فراهم می‌سازد و معنای جمله نیز در غیاب حرکت آشکار، بدون اختلال حفظ می‌شود. این الگو در مورد پرسش‌واژه‌هایی با نقش‌های نحوی مختلف (فاعل، مفعول، قید مکان و زمان) نیز تکرار می‌شود.

مقایسه این گویش با زبان‌هایی چون عربی مصری نشان می‌دهد که گویش بوشهری به زبان‌هایی تعلق دارد که از الگوی پرسش‌واژه در جای اصلی در ساختار پرسشی استفاده می‌کنند، درحالی‌که زبان‌هایی چون انگلیسی وابسته به حرکت آشکار هستند. از منظر نظریه «کپی و حذف» نیز می‌توان گفت که در گویش بوشهری، کپی‌برداری از پرسش‌واژه انجام می‌شود، اما حذف در سطح صورت آوایی رخ نمی‌دهد، چراکه حرکتی در سطح آوایی صورت نمی‌گیرد و بازبینی مشخصه‌ها تنها در سطح منطقی انجام می‌شود.

بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت که حرکت پرسش‌واژه‌ها در گویش بوشهری عمدتاً اختیاری، غیرفرمال و

کاربردشناختی است. محدودیت‌های نحوی مانند شرط هم‌جواری یا تسلط سازه‌ای تأثیر چندانی بر حرکت

پرسش‌واژه‌ها ندارند. در جملاتی که دو پرسش‌واژه در جایگاه پایه‌ای خود باقی مانده‌اند، نه تنها حرکت آشکار اجباری نیست، بلکه در مواردی، جابه‌جایی به پیش‌زمینه (پیش‌آیندشدگی) منجر به نادرستی بودن جمله می‌شود، مگر در موارد استثنائی.

از آنجاکه هسته گروه متمم‌ما در این گویش الزاماً دارای مشخصه [+Q] نیست، بر اساس اصل فرافکنی گسترده نیازی به حرکت پرسش‌واژه به جایگاه مشخص‌گر گروه متمم‌ما برای بازبینی این مشخصه وجود ندارد. در نتیجه، ساختار نحوی جمله‌های پرسشی در گویش بوشهری را می‌توان تا حد زیادی با انگیزه‌های کاربردی همچون تأکید، کانونی‌سازی، یا ابراز حالات عاطفی (مثل تعجب، خشم، یا علاقه) توجیه کرد.

در مجموع، عملکرد گویش بوشهری در زمینه حرکت پرسش‌واژه‌ها با زبان‌هایی چون انگلیسی تفاوت بنیادین دارد و از این نظر شباهت‌های ساختاری بیشتری با فارسی معیار نشان می‌دهد. این گویش را می‌توان در دسته زبان‌هایی قرار داد که بررسی مشخصه [+wh] را عمدتاً در سطح صورت منطقی انجام می‌دهند و حرکت در سطح آوایی را الزامی نمی‌دانند. یافته‌های این مقاله می‌توانند به درک دقیق‌تر از سازوکارهای نحوی در گویش‌های ایرانی و همچنین به مطالعات تطبیقی مبتنی بر برنامه کمینه‌گرا کمک قابل توجهی کنند.

منابع

- آهنگر، عباسعلی (۱۳۸۵)، «تحلیلی کمینه‌گرا از اشتقاق جمله‌های استفهامی ساده در زبان فارسی»، فصلنامه جستارهای نوین ادبی، سال سی‌ونهم، شماره ۲ (پیاپی ۱۵۳)، ۱۰۹-۱۲۶.
- پهلوان‌نژاد، محمدرضا و شاه‌علی، ابوالفضل (۲۰۱۳/۱۳۹۲)، «بررسی رفتار پرسش‌های چندگانه زبان فارسی»، مجله بین‌المللی تحقیقات کاربردی و علوم پایه، انتشارات مرورگر علوم، ۵ (۱۰)، ۱۲۹۳-۱۳۰۲.
- تنظیفی، سیده پگاه (۱۳۹۵)، تحلیل حرکت پرسش‌واژه در کردی اردلانی: رویکردی کمینه‌گرا، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد رشته زبان‌شناسی همگانی، کردستان: دانشگاه کردستان.

حاجیانی، فرخ و محمودی، خیرالله (۱۴۰۲)، «ریشه‌شناسی چند واژه در گویش بوشهری»، زبان‌شناسی و گویش‌های ایرانی، سال ۸، شماره ۲، ۳۷-۵۳.

دبیرمقدم، محمد (۱۳۹۳)، زبان‌شناسی نظری، پیدایش و تکوین دستور زایشی (ویراست دوم)، تهران: انتشارات سمت.
راسخ‌مهند، محمد (۱۳۷۹)، «جملات پرسشی در زبان فارسی»، نشریه مجموعه مقالات دانشگاه علامه طباطبائی، ۹۱، ۳۴۴-۳۳۱.

رشیدی، مریم (۱۳۹۸)، «بررسی ساخت‌های پرسش‌واژی چندگانه در زبان مازندرانی: رویکردی کمینه‌گرا»، مجله مطالعات نقد زبانی و ادبی، دوره ۳، شماره ۱۰، ۱-۱۸.

زاهدی، کیوان (۱۳۸۵)، «زبان‌شناسی چامسکی»، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۵۰ (ویژه‌نامه فلسفه)، ۱۳-۳۶.
غنچه‌پور، موسی و رقیب‌دوست، شهبلا (۱۳۹۹)، «نقش هسته نحوی و جایگاه سازه در پردازش اسامی مرکب غیرفعلی: شواهدی از افراد زبان‌پریش بروکا»، پژوهش‌های زبانی، دوره ۱۱، شماره ۲، ۱۲۱-۱۴۵.

گلغام، ارسلان (۱۳۹۰)، اصول دستور زبان، تهران: سمت.

مشکوه‌الدینی، مهدی (۱۳۷۴)، «جابه‌جایی سازه پرسشی در جملات زبان فارسی و برخی نتایج نظری آن»، مجموعه مقالات دانشگاه علامه طباطبائی، شماره ۸۳، ۱۲۷-۱۴۰.

میرعمادی، علی (۱۳۷۶)، نحو زبان فارسی بر پایه نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی، تهران: انتشارات سمت.

میرعمادی، علی (۱۳۷۹)، نحو زبان فارسی و انگلیسی در قالب برنامه کمینگی، تهران: انتشارات سمت.

واعظی، هنگامه (۱۳۹۲)، «ساخت‌های پرسش‌واژه‌ای در زبان فارسی (رویکردی کمینه‌گرا)»، دوفصل‌نامه علمی-پژوهشی زبان‌پژوهی دانشگاه الزهراء، ۱۹۹-۲۲۱.

Caulicover, P., & Jackendoff, R. (2005), *Simpler syntax*, Oxford: Oxford University Press.

Chomsky, N. (2015), *Minimalist program*, Massachusetts: The MIT Press.

Chomsky, N. (2014), Some remarks on the economy of derivation and representations, In *The Minimalist Program* (pp. 129–166), MIT Press.

Hornstein, N. (2001), *Move! A Minimalist Theory of Construal*, Oxford: Blackwell.

Rizzi, L. (1996), The fine structure of the left periphery, In L. Haegeman (Ed.), *Elements of Grammar: Handbook in Generative Syntax* (pp. 281–337), Dordrecht: Kluwer Academic Publishers.

Gad, R. F. (2011), *A Syntactic Study of Wh-movement in Egyptian Arabic within the Minimalist Program*, PhD thesis for the degree of doctor of philosophy, England: University of Leeds.

Huang, C.T. J. (1982), Move WH in a language without wh-movement, *The Linguistic Review*, 1, 369– 416.

Kahnemuyipour, A. (2001), On Wh-questions in Persian, *Canadian Journal of Linguistics*, 46 (1-2), 41-61.

Karimi, S., & Taleghani, A. (2007), Wh-movement, Interpretation, and Optionality in Persian. In S. Karimi, V. Samiiian, & W. K. Wilkins (Eds.), *Phrasal and Clausal Architecture: Syntactic Derivation and Interpretation* (pp. 167-187), Amsterdam: John Benjamins Publishing Company.

Lasnik, H. (1995), Case and expletives revisited: On greed and other human failings, *Linguistic Inquiry*, 26(4), 615-633.

Lasnik, H. (2008), Feature movement or agreement at a distance?, In *Dimensions of movement: From features to remnants* (pp. 189-208), John Benjamins Publishing Company.

Lopez, L. (2013), Wh-movement, In Silvia Luraghi and Claudia Parodi (eds), *Bloomsbury Companion to Syntax* (pp. 311-324), New York: Bloomsbury.

Radford, A. (1997), *Syntax: A minimal approach*, Cambridge: University Press.

Radford, A. (2004), *Minimalist syntax: Exploring the structure of English*, Cambridge: University Press.

Reinhart, T. Wh-in-situ in the Framework of the Minimalist Program, *Natural Language Semantics*, 6, 29-56.

Rizzi, L. (1982), *Issues in Italian syntax*, Dordrecht: Foris.

Rudin, C. (1988), On Multiple Questions and Multiple Wh-fronting, *NLLT*, 6, 445-501.

Watanabe, A. (1992), WH-in-Situ: Subjacency and Chain Formation, *MIT Occasional Papers in Linguistics*.

Abstract

Analysis of the Question Word Structure in Bushehri Dialect Based on Minimalism

The construction of interrogative sentences in different languages, including Bushehri dialect, is a function of the movement or non-movement of the interrogative word and its active or passive position. The present study uses a descriptive-analytical method and within the theoretical framework of the minimal program examine the movement of interrogative words in the Bushehri dialect. Data were collected by recording and transcribing 170 minutes of conversation from 32 Bushehri speakers in different age groups (35 to 60 years). In total, 115 sentences were analyzed, including 40 simple interrogative sentences, 30 compound sentences, 20 derivative sentences, and 25 sentences with dual interrogative words. These sentences were analyzed in terms of the type of movement (syntactic or non-syntactic), the motive and direction of the movement, either optional or mandatory movement, and the location of the interrogative word. Two linguists fluent in the Bushehri dialect categorized and analyzed the data. The findings show that in Bushehri dialect, restrictions such as the contiguity condition and structural dominance do not prevent question word movement. Furthermore, question words can appear in different sentence positions, and this diversity can often be explained by discourse functions such as emphasis, salience, and initialization. Furthermore, the results indicate that question word movement in this dialect is mainly based on functional and semantic motives and differs from the syntactic rules of languages such as English.

Keywords: minimalism, question word movement, Bushehri dialect